هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



تجاوز شوروی به افغانستان شر، و جهاد و مقاومت مردم خیر بود.

از سخنان رهبر شهید

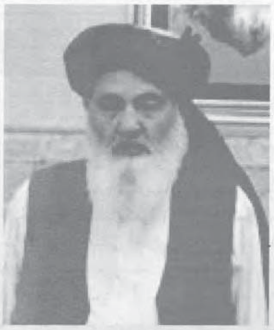
دور ششم –سال سیزدهم – شمارۀ ۳۵ ۶جدی ۱۳۹۳ ۵ ربیع الاول ۱۴۳۶ 27 Decembers 2014

پیام صلاح الدین ربانی
بمناسبت ۶ جدی، سالروز تجاور ارتش سرخ به افغانستان



اینک بار دیگر در ۶ جدی، ۳۵مین سالروز تجاوز ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی سابق به کشور عزیزمان افغانستان قرار داریم. به قول استاد شهید برهان الدین ربانی " دراین روز ارتش تا دندان مسلح شوروی از زمین و هوا به کشورما تجاوز کردند و لکۀ سیاه را بر جبین تاریخ حک نمودند". شش جدی از روزهای فراموش ناشدنی در تاریخ معاصر کشورما است. در نتیجۀ این تجاوز عریان، هزاران انسان بی دفاع به خاک و خون غلطید و میلیون ها انسان دیگر مجبور به ترک خانه و سرزمین خود شدند. زیربناها تخریب، مزارع و اشجار به آتش کشیده شد. تجاوز اتحاد جماهیر شوروی متوفا در ۶جدی سال ۱۳۵۸ نقض آشکار از قوانین حاکم بر نظام بین المللی بود. تجاوز مستقیم شوروی در همکاری و همیاری عدۀ از ایادی داخلی فروخته شده، مردم مجاهد و همیشه در سنگر افغانستان را مجبور به دفاع از کیان ملی و اسلامی شان نمود. این برهنه پایان، با ایمان قوی به ذات یکتا و ارادۀ خلل ناپذیر با دستان خالی در برابر ارتش تا دندان مسلح آن روزگار ایستادند و بردشمن فهماندند، نتیجۀ هر تجاوز، جز رسوای و شکست چیزی دیگری را در پی ندارد.

جهاد و مقاومت مجاهد مردان و مجاهد زنان این کشور نزدیک به ۱۴ سال در برابر شوروی ها و ایادی داخلی ادامه یافت و با تقدیم ۲میلیون شهید و میلیون ها معلول و معیوب، دشمن مجبور به ترک دیارما گردید. در نتیجۀ مقاومت مردم، شکست مفتضحانه شوروی ها محقق، مرزها در جغرافیایی سیاسی جهان درهم شکست و تیوری حاکم در نظم جهانی دگرگون گردید. با شکست و خروج اتحاد جماهیر شوروی وقت، ملت ما به جای این که به مثابۀ یک کشور جنگ زده مورد تفقد و دل جویی جهان قرار گیرد، توطیه های بین المللی و منطقۀ ادامه یافت، تا مجاهدین که فاتح معرکه بودند و آزادی را به بخش از جهان به ارمغان آورده بودند، موفق به تشکیل حکومت اسلامی ص۲



«بازگشت همه بسوی اوست»

با تأسف، صوفی محمد رسول از فرماندهان نامدار جمعیت اسلامی در دورۀ جهاد، به اثر مریضی که عاید حالش شده بود، به لقاء الله پیوست.

انا لله و انا الیه راجعون

مرحوم فرمانده صوفی محمد رسول، از فرماندهان نامدار جمعیت اسلامی، در دورۀ جهاد، در جبهات کابل بود. فرماندۀ مرحوم، شجاعانه، همه سالهای جوانی اش را فدای دفاع از دین و سرزمینش کرد و در راه اسلام و کشورش رشادت های ماندگاری از خود به جا گذاشت. او تا آخر زنده گی اش، به عنوان یک مجاهد و شخصیت وفادار به جمعیت اسلامی افغانستان، در خدمت مردمش باقی ماند.

از خداوند بزرگ برای وی بهشت برین و برای خانواده و یاران و همسنگرانش صبر جمیل استدعا می کنم.

صلاح الدین ربانی

رئیس جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح



تجاوزی که سرانجام به شکست انجامید!

ص۲

د مرغومې شپږمه د هیواد د معاصر تاریخ له تولو کرغیړنه ورځ

۳مخ

به مناسبت سالروز تجاوز ۶ جدی

پیرمردان مجاهد! اسلام و وطن به وجود شما افتخار می کند

ص۴

۶ جدی ۱۳۵۸
یک روز نامیمون در تاریخ افغانستان

ص۶

گرۀ کور خشونت در دوسوی دیورند ص۲

آزادی چهار زندانی افغان از گوانتانامو ص۵

۲۰۱۴ سال خونین در افغانستان ص۵

د ترهگرۍ پرخلاف مبارزه، دین پیروي، عدالت او ولسپالنه غواړي ۶مخ

از دست آوردهای جهاد ص۷

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

تجاوزی که سرانجام به شکست انجامید!

تقویم همیشه یاد آور رویدادهای خوب و بد از گذشته هاست. یکی ازاین روزهای بد در کشورما که شهید استاد ربانی آنرا «شر» خوانده بود، ششم جدی ۱۳۵۸ هجری خورشیدی است درین روز - که ۳۵ سال از آن می گذرد - ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی وقت با تمام امکانات جنگی از طریق زمین و هوا، به آرزوی اشغال در حریم کشورما حملاتش را آغاز کرد. در این تهاجم وحشیانه سومین مهرهٔ جدید از مزدورانش را بر کرسی ارگ کابل نشاند و با یاری اجیران و دست نشانده هایش، تا توانست علماء، روحانیون و متنفذین کشور را بیرحمانه و حتا بصورت دسته جمعی راهی کشتار گاه ها و زندان های مخوف نمود. به گمان اینکه با کشتن و بستن و به زندان افگندن، می تواند مردم را سرکوب نماید و به نیات شومی که در سر می پرورانید، برسد. اما غافل از اینکه چنین اعمال نابخردانهٔ رهبران کمونیزم و ایادی شان در داخل کشور، در بسیج مردمی بیشتر از پیش کمک کرد.

از آنجایی که مردم شجاع و متدین کشورما در طول ادوار تاریخ در برابر هر متجاوزی، با متانت و مردانگی قد علم کرده اند، در برابر این تجاوز عریان نیز با رهبری سالم، زن و مرد و پیر و جوان بپا خاستند. سرانجام متجاوزین که شکست حتا در تخیل اش راه نداشت، توسط ملتی که هدف قیام و مقاومتش به خاطر دفاع از ارزش ها، مقدسات دینی، حصول آزادی، استقلال و تمامیت ارضی بود، بعد از حدود نُه سال و اندی (۲۶ دلو ۱۳۶۷ هجری خورشیدی) محکوم به شکست گردید، آن قلمرو وسیع اتحاد شوروی وقت، از هم پاشید و تجزیه گردید، که جهان ازین ایستاده گی هدفمندانهٔ مجاهدان افغانستان و شکست ابرقدرت شرق، انگشت حیرت در دهان نهاد.

بدین مناسبت، جا دارد نخست به روح همه شهدای دوره های جهاد و مقاومت و مبارزه علیه تروریزم درود بفرستیم و به آنعده رهبران، فرماندهان، مجاهدان، جانبازان و کافه مردم مسلمان افغانستان که بخاطر آزادی و حفظ تمامیت ارضی کشور دلسوزانه تلاش کردند، اجر جمیل و توفیق خدمت گزاری بیشتر آرزو می نماییم.

اما آنچه مایهٔ تأسف است، روی هر ملحوظی دولت در ۱۳ سال اخیر در تجلیل و بزرگداشت روزهای تاریخی و افتخار مردم افغانستان کوتاه آمده است. از حکومت وحدت ملی می طلبیم تا جهت تقویت روحیهٔ ایثارگری و آزادیخواهی، و زنده نگه داشتن افتخارات مردم، روزهای تاریخی و ملی را در سراسر کشور طور گسترده تجلیل نماید.

در حالیکه هرنوع تجاوز و مداخله را در حریم کشورمان به شدت نکوهش و تقبیح می نماییم، به کشورها و حلقاتی که چشم طمع به این مرزوبوم دلیران دوخته اند و یا خواهند دوخت، هشدار می دهیم تا به خیال های خام خاتمه دهند در غیر آن، رسوایی و شکست حتمی، همانند اسلاف شان را نصیب خواهند شد.

سربلند باد مردم آزاده و همیشه در صحنهٔ افغانستان!

گرهٔ کور خشونت در دو سوی دیورند

□ وحید مژده

شانزدهم دسامبر پاکستان شاهد جنایتی خونین بود. گروهی جنایت کار به یک مکتب در ورسک رود پیشاور حمله کردند و بیش از ۱۴۱ متعلم و معلم را بیرحمانه کشتند.

گروه اصلی طالبان پاکستانی برهبری ملا فضل الله مسوولیت این کشتار را بعهده گرفت و خراسانی سخنگوی این گروه ضمن پذیرفتن این مسوولیت گفت که، این کار را به انتقام کشته شدن اطفال و مردم غیرنظامی در وزیرستان بدست نیروهای پاکستانی انجام داده اند.

آیا می توان جنایت را با جنایت مشابه پاسخ داد؟ کسانی که در پاکستان خواهان تطبیق شریعت هستند و مدعی اند بخاطر همین هدف می جنگند، می توانند بگویند که این کار شان چه رابطه ای با شریعت دارد؟ حتی در صورتی که نیروهای پاکستانی دست به کشتار مردم بیگناه در عملیات وزیرستان زده باشند، دست زدن به عمل متقابل و کشتار کسانی که هیچ رابطه ای با آن کشتار و جنگ نداشته اند، با هیچ معیاری پذیرفتنی نیست و جنایتی توجیه ناپذیر است.

این عمل بحدی شنیع و ضد انسانی بود که حتی نزدیک ترین حامیان این گروه نه تنها قادر به توجیه آن نشدند بلکه همه یکصدا علیه این جنایت صدا بلند کردند. حافظ محمد سعید رهبر لشکر طیبه گروهی را که دست به این کار زدند تروریست خواند و خواهان اعدام مرتکبین این عمل گردید. اسامه محمود سخنگوی القاعده در جنوب آسیا طی یک اعلامیه ای برائت خود را از این گروه تروریست اعلام نمود.

روز بعد از این واقعه، نوازشریف صدراعظم پاکستان، جنرال راحیل شریف لوی درستیز و رئیس آی اس آی را به کابل فرستاد تا اسناد روابط تروریست ها با رهبران شانرا که گویا در افغانستان مستقر اند، به مقامات افغان و نیروهای خارجی بسپارند. نوازشریف کنفرانس تمام احزاب سیاسی پاکستان را فرا خواند تا علیه تروریسم یک برنامهٔ واحد طرح نمایند. در ختم نشست احزاب، نوازشریف در کنفرانس مطبوعاتی اعلام داشت که ما با اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به توافق یافته ایم تا علیه تروریسم مبارزهٔ مشترک صورت گیرد. وی این ادعا را رد کرد که گویا نیروهای پاکستانی درعملیات ضرب عضب علیه مراکز طالبان افغان اقدامی نکرده اند. وی گفت که این عملیات، بدون درنظر گرفتن قومیت و ملیت انجام شده است.

چند ماه قبل نیروهای پاکستانی عملیات ضرب عضب را در وزیرستان شمالی علیه طالبان براه انداختند اما در مورد زندانیان طالب در زندان های این کشور تصمیمی گرفته نشد. از سال ۲۰۰۸ حکم اعدام بیش از یک هزار طالب پاکستانی در این کشور به حالت تعلیق در آمده بود زیرا جامعهٔ اروپا توانست پاکستان را متقاعد بسازد که قاتلان اطفال بیگناه و معصوم هم شامل حقوق بشر اند و رعایت حقوق آنان فوق العاده مهم است. از طرف دیگر قضات پاکستان هم از ترس طالبان در مورد صدور حکم اعدام تا حدی جانب احتیاط را رعایت کردند.

اما در ۱۷ دسامبر احزاب سیاسی پاکستان از حکومت خواستند تا بیش از یک هزار طالب که صدور حکم اعدام شان به حالت تعلیق درآمده بود، اعدام نمایند. تا اکنون چند تن اعدام شدند که بیشتر آنان در توطئهٔ قتل پرویز مشرف دست داشتند.

مولانا سمیع الحق و مولانا فضل الرحمن در این کنفرانس در برابر این سخن نوازشریف سکوت را ترجیح دادند که گفت: طالب خوب و طالب بد وجود ندارد. این اصطلاح را همین دو بزرگوار در مورد طالبان ابداع کرده بودند.

زمانیکه بعد از حملهٔ امریکا به افغانستان، طالبان افغان به مناطق قبایلی پاکستان پناه بردند، به تدریج تحریک طالبان پاکستان بعنوان زیر مجموعهٔ طالبان افغان شکل گرفت. از همان آغاز، آی اس آی تلاش نمود تا از یک پارچه شدن طالبان پاکستانی جلوگیری نماید. فوج پاکستان با بعضی از آنها قرارداد صلح بست و با بعضی به جنگ پرداخت. امروز طبق یک آمار، طالبان پاکستانی به ۲۴ گروه تقسیم شده اند که از آن جمله سه گروه بزرگتر است.

زمانی تعدد این گروه ها مشکل آفرین شد که دولت پاکستان خواست با آنها مذاکرات صلح را آغاز نماید. تعدد گروه ها موجب شد تا گروه های کوچک و تندرو شرایطی را مطرح سازند که برای دولت پاکستان قابل قبول نبود. در نتیجه، این مذاکرات به شکست مواجه گردید زیرا گروه های تند رو حتی خواهان لغو قانون اساسی پاکستان بودند.

از جانب دیگر این تعدد گروه ها موجب شد تا دست های مرموز با استفاده از جهالت و حماقت بعضی از آنها، توسط آنان جنایات هولناکی را انجام دهند و رهبری طالبان هم برای نمایش خود بعنوان یک گروه منسجم و قدرتمند، و به منظور اجتناب از اینکه گروهی منشعب و درگیر اختلافات داخلی به شمار آید، در برابر اینگونه جنایات خاموش باقی ماند و به این ترتیب بار تمام این جنایات را بدوش گرفت و در نتیجه حمایت مردمی را از دست داد.

اما اکنون مقامات پاکستانی به این نتیجه رسیده اند که باید



عملیات مشترک علیه طالبان در دوسوی دیورند صورت گیرد. سیاستمداران پاکستانی می گویند که وقتی سریلانکا توانست ببر های تامیل را شکست دهد، پاکستان نیز خواهد توانست بر طالبان پیروز گردد. یک تحلیلگر مشهور پاکستانی می گوید که، راه حل این مشکل همکاری مشترک میان افغانستان، پاکستان و امریکاست. اگر این سه کشور باهم دست همکاری بدهند، این مشکل حتی بدون خونریزی حل خواهد شد اما اگر اینها باهم به توافق دست نیابند، سالها جنگ، نیز نمی تواند این مشکل را حل کند.

دولت پاکستان سعی دارد تا به مردم این کشور نشان دهد هرکاری که حتی در افغانستان هم صورت می گیرد، به خواست این کشور است و جنگ دانگام در کنر را هم با واقعهٔ پیشاور و سفر راحیل شریف به افغانستان رابطه می دهد. پاکستان مدعی است که مولوی فضل الله در کنر پنهان شده و این عملیات علیه او صورت می گیرد اما حقیقت اینست که جنگ اخیر در کنر قبل از واقعهٔ حمله به مکتب آغاز شده است.

دولت پاکستان خواهان عملیات مشترک در دو سوی دیورند می باشد، اما مشکل بزرگ در این رابطه، فضای عدم اعتماد طولانی مدت در روابط میان افغانستان و پاکستان است. این نکته کاملاً روشن است که مبارزه با تروریسم در این منطقه نیازمند همیاری منطقوی است و افغانستان یا پاکستان هیچکدام به تنهائی قادر به حل این معضل نخواهند بود.

پیام صلاح الدین ربانی بمناسبت...

برخاسته از ارادهٔ مردم بوده باشد، نه شوند. اکنون که از آن روزگار، سالیان زیادی می گذرد، علی الرغم تلاش های زیاد، به منظور تأمین صلح و ثبات و رفاه، مردم مجاهد ما هنوز قربانی توطیهٔ شبکه های بیگانه می شوند و با گذشت هر روز به چالش ها و مشکلات مردم، افزوده می شود.

مردم افغانستان طی۱۳سال اخیر آزمون های سختی را تجربه کردند. در روزگاری که در سنگرهای گرم از حق و عدالت دفاع می کردند، بار دیگر با حضور در صحنه های سیاسی و مبارزات مدنی از استقلال و آزادی و ارادهٔ خود به دفاع برخاستند. پیام جمعیت اسلامی افغانستان همواره و تحت هر شرایط پیام صلح و سازندگی است. جنگ و جهاد ما هم برمبنایی همین هدف استوار بود. دشمن از هر طیف و قماشی که باشد، باید بداند که زمان تجاوز و سلطه گذشته و مردم ما به اندازهٔ کافی درک درست از اوضاع را دارند. دوست و دشمن را به خوبی شناخته و آمادهٔ دفاع از حق و ارادهٔ خود در هر شرایط هستند.

با استفاده از فرصت می خواهم به روح پرفتوح شهدای راه عزت و آزادی درود بفرستم و به بازماندگان آنان صبر و استقامت در راه خدا و وطن متمنی ام.

و من الله التوفیق



د مرغومي شپږمه د هیواد د معاصر تاریخ له ټولو کرغېړنه ورځ

☐ رفیق بحر

د نن څخه شپږ دیرش کاله وړاندې د مرغومي په شپږمه نیټه د افغانستان هغه قطبي ګاونډي چې د شمال ګاز او په جنوب کې د ننګرهار د مالټو باغونه ورته په ډیرو کمو بیو زمونږ لخوا ډالۍ وو؛ د افغانستان د یو بې غیرته ځوي (ببرک کارمل) واکمنۍ ته رسولو لپاره یې، زمونږ په هیواد نیغ په نیغه یرغل وکړ او له یو لک څخه پورته شمیره پوځونه یې افغانستان ته راولېږل.

لدې نیټې څخه نږدې یو نیم کال وړاندې د غويي په اوومه نیټه افغاني کمونستانو د سردار محمد داوود خان رژیم د یوې ننګیني کودتاه په وسیله رنګ کړی وو او دافغاني کمونستانو نابغه(!!) تره کی د واکمنۍ وروسته د هغه وفادار شاګرد واکمني وه، چې د خپل استاد په خوله یې بالنبست اینښي وو. امین چې د خپل سلف (تره کی) په څیر د یو لاسپوڅي رژیم د خلق له ډلګۍ سره وو او په واکمنۍ کې یې د پرچم ډلګۍ مهمې څېرې له هیود څخه بیرون سفارتونو ته ولېږدول شوې، خپل حماقت یې له همدې ځایه څرګند کړی وو چې د کارمل په څیر یو بې همته افغان ته یې د پخواني شوروي اتحاد د واکمنانو په غوږونو کې د شیطانت کولو چانس ورکړی وو او په همدې بنیاد یې خپل رفیق امین د امریکا لاسپوڅی وباله او شوروي اتحاد ته یې په افغانستان د مستقیم یرغل پیشنهاد وکړ، څو په مټ یې کارمل د واک په ګدۍ کښیني او د پیل شوي افغان جهاد د ختمولو لپاره د افغان دښمنۍ هغه لړۍ نوره هم پیاوړې کړي چې بنیاد یې د دوی استاد تره کی اینښي وو؛ هغه چې د واکمنۍ له آغاز څخه یې د اخواني، مرتجع او اشرف زاده په نوم هر هغه افغان د زندان تورو دروازو ته غورځولی وو چې د مسلمان افغان په توګه یې په خپل هیواد کې ژوند کاوه او په سنګرونو کې د شهیدانو شوو مجاهدینو سربېره یې د هیواد د ریښتونو بچیانو څخه تر دولس زره پورې بې ګناه افغانان شهیدان کړي وو؛ چې دوه کاله وړاندې د هغو له جملې د پنځه زره افغانانو لست د هالند هیواد محکمې څخه اعلان هم شو.

هسې خو د غويي د اومې نیټې کودتا د افغانستان لپاره د تراژیدلو آغاز وو؛ ځکه د افغان ولس د عقیدې او ارزښتونو پر خلاف یو بې دینه رژیم د واک ګدۍ ته رسیدلی وو او افغانانو یې پر خلاف جهاد پیل کړی وو، خو د پخواني شوروي مستقیم یرغل دغه جهاد ته نور هم د لایل برابر کړ او د پراخه ملي پاڅونونو لامل شو؛ چې د



هیواد په ګوټ ګوټ کې د ولسونو پاڅونونه یې راوټوکول او د کمونستي رژیم او تر شا یې د قطبي خرسانو ملاتړ لخوا د افغان وژنې بهیر نور هم ګړندی کړ، نو ځکه د افغانستان په معاصر تاریخ کې تر ټولو کرغیړنه ورځ او د تراژیدیو د تسلسل پیلامه ګڼل کیږي.

افغان ولس د خپل حق مقاومت او تاریخي جهاد لیکې نورې هم پیاوړې کړې او د کمونستي ګوډاګي رژیم پر خلاف یې روان جهاد دومره زور واخست چې د امریکا او د نړۍ نورو لویدیځو هیوادونو سره دا هیله پیدا شوه چې افغانان کولای شي هغه امپراتوري د خپل پیل کړي جهاد په مټ رنګه کړي چې لویدیځ یې تردې بریده وېرولی وو چې که ګرمو اوبو ته روسان ورسیدل. نو بیا د امریکا او د هغه نورو ډیرو پانګوال رژیمونه لرونکو هیوادونو ملګرو بقاء له ګواښ سره مخ ده؛ ځکه خو یې د افغان جهاد ملاتړ ته راودانګل. خو میړني افغان ولس او د هیواد ریښتینو مجاهدینو د یو نیم ملیون شهیدانو په ورکولو سره هغه امپراتوري په ګونډو کړه، چې لمر یې په قلمرو کې نه ډوبیده او د اویا کلنې واکمنۍ وروسته یې د تاریخ قصه وګرځوله.

مګر افغان ولس چې د یو نیم ملیون شهیدانو سربېره یې په لکونو نور معلول شول، بچیان یې یتیمان او میرمنې یې کونډې شوې، د هیواد ګوټ ګوټ یې په کنډواله بدل شو، په لویدیځ یې د ترسره کړي احسان ځواب، امریکا او لویدیځې نړۍ پدې سره ورکړ چې د مجاهدینو پر خلاف یې د سیسې پیل کړي او بریالیتوب ته رسیدلي مجاهدین یې بې یاره او مددګاره پریښودل او د کورنیو جګړو تر شا د ګاونډیانو لاسونه یې لنډ نه کړل. نو هماغه وو چې د افغان جهاد په برکت د نړۍ ولسونه آزاد شول؛ ځکه د شوروي ښکېلاک څخه نه یوازې دا چې اوه لس هیوادونو لکه د زنځیر د کړیو په څیر یو د بل پسې په خلاصیدو سره خپلواکۍ واخستې؛ بلکې د ختیځ او لویدیځ المان ترمینځه د برلین دیوال ونړیده او د ختیځې اروپا هیوادونو کې هم د خپلواکۍ روحیه وچلیده. خو افغانان لا تر اوسه هم د هغه عزت خاوندان ندي چې په نړۍ یې د کړي احسان په نتیجه کې باید لاسته راوړی واې او دغه هیواد د بیا ودانولو په لور ګړندي ګامونه اخستي واې او د جګړو تغر یې له کوره ټول شوی واې.

الله دې نور پدې ولس ورحمیږي او د یو ریښتوني ملی شخصیت له قیادت څخه دی دوی برخمن کړي، څو په خپل سیاسي بصیرت او درایت سره افغان ولس له ستونزو خلاص کړي.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سيرت ونډه

دوه دیرشمه برخه

■ ژباړه: اجرالدين اقبال

<u>د حبشي واکمن ته لیک:</u>

د بعثت پر پینځم کال،ځینو مسلمانانو د حضرت "جعفر ابن ابیطالب" په مشرۍ حبشې ته هجرت کړی و. ددې مهاجرت نقشه د سیاسي تاکتیک په نامه او د لاندې موخو پلې کولو ته ایستل شوې وه :

الف _ د مشرکانو له شره د مسلمانانو خلاصېدل .

ب _ د نویو ملاتړو لاس ته راوړل.

ج _ اسلام ته د نجاشي او نورو حبشیانو رابلل .

پیغمبر اکرم ددې حرکت په لړ کې پر شپږم هجري کال،"نجاشي" د حبشي پاچا ته لیک واستاوه،چې پکې راغلي وو:

((د لوراند او لورین څښتن په نامه . د ((محمدرسول الله)) له لوري د حبشي ستر پاچا"نجاشي" ته؛سلام دې پر تا وي؛پر داد ورکوونکي او ساتونکي خدای درود وایم او ګواهي ورکوم "عیسی" د "مریمې" زوی،د خدای روح او کلمه ده،چې پاکلمنې پیغلې مریمې ته یې ورکړ او خدای "عیسی" له خپل روح پیدا کړ؛لکه څرنګه چې "آدم" یې په خپل لاس جوړ کړ. زه تا غني دې یو تکی هم نه ورزیاتوي؛کوم دین چې دې راوړی،پېژندلی مې دی او ستا د تره زوی مې له یارانو ٓ سره یې ومانه او ځان ته مې نږدې کړل او ګواهي ورکوم چې ته رښتین پیغمبر او د خدای له لوري تایید شوی یې او ما له تا او ستا د تره زوی سره بیعت کړی او د هغه له لارې مې پر "نړی پال" ایمان راوړی دی او خپل زوی "ارها" مې درولېږه ،چې یوازې پر ځان بر لاس یم ؛نو که غبواړي،چې درشم او



خدای او لاروی ته یې رابولم او له تا غواړم زما لاروی شي او پر هغه خدای ایمان راوړي،چې زه یې را لیږلی یم،چې زه پیغمبر یم. د خپل تره زوی؛"جعفر" او یو شمېر مسلمانان مې در لیږلي،چې درشي؛نو و یې منه او تکبر مه کوه،چې زه تا او لښکر دې خدای ته رابولم.د خدای له پیغامه مې خبر کړې او نصیحت مې درته وکړ ،نصیحت مې ومنه او درود دې پر هغه وي، چې د هدایت لاروی شي .))(۱۳٦)

"نجاشي" د رسول اکرم په خواب کې وکښل:

((د لوراند او لورین خدای په نامه. د خدای استازي محمد ته. له "نجاشي اعظم بن ابجزز" له لوري .پر تا دې د خدای درود،رحمتونه او برکتونه وي،هغه ایکي یو پالونکی چې اسلام ته یې سم کړم. امابعد؛د خدای پیغمبره! لیک او د "عیسی" په اړه دې،چې څه پکې کښلي وو،راورسېد.د اسمان او ځمکې پر خدای قسم!،چې "عیسی" پر ګواهي ورکوم، چې دین دې پر حق دی او د خدای استازیه ! پر تا دې درود وي))

وګورئ: پورته سرچېنه.

<u>د روم پاچا ته لیک :</u>

په لیک کې راغلي وو:

((له محمدرسول الله نه "هرقل" د "روم" پاچا ته؛سلام دې پر هغه وي،چې د هدایت لاروی وي؛ تا اسلام ته رابولم؛ نو اسلام راوړه،چې روغ پاتې شې،چې خدای درته دوه ګرایه ثواب درکړي؛ ((ورته ووایه: کتابوالو!راشئ چې د هغې خبرې لاروي وکړو،چې زمونږ او ستاسې په منځ کې یو شانته ده،بې له خدایه بل ونه لمانځو او څه ورسره شریک نه کړو او په مونږ کې ځینې د خدای پر ځای پالونکي و نه نیسو؛نو که له حقه واوښتل؛نو ورته ووایه: تاسې ګواه اوسئ،چې مونږ د خدای حکم ته تسلیم یو))؛نو که اسلام و نه منئ؛نو د بزګرانو ګناه به ستا پر غاړه وي .))

<u>"هرقل" په خواب کې ورته وکښل:</u>

((احمد د خدای استازي ته! د "روم" له پاچا "هرقل" نه! هماغه یې،چې "عیسی" یې د راتګ زېرې ورکړی و ؛لیک دې له استازي سره راورسېد او په رښتیا ګواهي ورکوم،چې د خدای استازی یې؛ځکه خبر دې په "انجیل" کې راغلی او"عیسی مسیح" هم ستا د راتګ زېری کړی او ما هم "رومیان" راوبلل،چې پر تا ایمان راوړي؛خو و یې نه منل او که منلي یې وای؛نو ډېر به ښه وو او په رښتیا،چې ډېر لېوال یم،ستا په خدمت کې شم او پښې دې پرېمینځم.))

پیغمبر اکرم ته ،چې د "هرقل" لیک راورسېد؛نو ویې ویل: ((چې زما لیک ورسره وي ؛نو هېواد به یې پاینده او ټینګ وي)) (۱۳۷)

<u>د اسلامي بلنې ځانګړنې</u>

له پورته خبرو پایله لاس ته راځي،چې د نبوي تبلیغي عناصرو ورتیا،د ښوونځي حقانیت او د پاک نبي لوړ شان،خلک د هغه مبارک د نبوت تصدیق او د بلنې منلو ته چمتو کړل او پردې سربېره،د اسلامي تبلیغ مخاطب،فطرت او انسانیت دی؛نو ځکه څوک چې انساني ژوند غواړي؛نو په هر ځای او وخت کې ورته د منلو وړ دی او ویلای شو اسلام د ټولو انساني پرګو د مدیریت وړتیا او وس لري او لاندې خبرې زمونږ د خبرې پخلی کوي:

الف _له نیمې پېړۍ په لږه موده کې د اسلام خپرېدل او پر لویدیځ او ختیځ یې واکمني او دې تلپاتې ښوونځي ته د سترو انساني پرګو راتګ،داسې خبره ده،چې د بشر په تاریخ کې یې ساری نه درلود.

ب_ددې سپېڅلې بلنې د سر د راجګېدو ځای داسې وروسته پاتې چاپېریال و،چې د "روم" او "ایران" د سترو امپراتوریو په منځ کې پروت و. سره له دې،چې دوی په ظاهره متمدني او د فلسفي او فرهنګ خاوندانې وې؛خو د خلکو په زړونو کې یې د ننووتو وس نه درلود.

ج _د بلنې راوړونکی داسې سړی و،چې پخوا یې د لوست او لیک مخینه نه درلوده.

د _مسلمانانو،چې غیر اسلامي هېوادونه فتح کړل؛نو لږه موده وروسته په خپله خوښه اسلام ومانه؛لکه څنګه چې مغولو پر "ایران" تر برلاسې وروسته اسلام ومانه.

ادامه لري

به مناسبت سالروز تجاوز ۶ جدی

پیرمردان مجاهد!
اسلام و وطن به وجود شما افتخار می کند

□ فقیری

سی و پنج سال از تجاوز نظامی و لشکر کشی بیشرمانهٔ امپریالیسم تبهکار شوروی وقت به کشور عزیزما افغانستان می گذرد. هرگاه به تاریخ شکوهمند سرزمین خویش نگاه کنیم بخوبی در می یا بیم که این عظمت و شکوه در مجموع از مردم افغانستان است و نه از دربار شاهان و محافل و شادی ها و غمهای آنان! افتخار به سربلندی مردمان تهیدست و پا برهنه است که فقط به نام خدا و به خاطر اعلای نام خدا به سنگر ها شتافته و در برابر کفر و تجاوز خارجی، سینه ها را سپر ساخته اند: افتخارات و داشته های وطن ما برخلاف تصور دشمنان اسلام و افغانستان، فقط در بت های بامیان و آثار تاریخی، خلاصه نمی شود، بلکه این مردم و نیاکان غیور ما اند که سر افغانستان را در برابر دنیا بلند داشته اند و از ایمان و عزت خویش در برابر تجاوزگران دفاع کرده اند.

افغانان غیور و سر بلند، افتخارها آفریده اند ولی بسیار کمتر از افتخارات خویش گفته و یا قصه کرده اند. شاید صد ها هزار حادثه و رویداد تاریخی کشور که به خون ده ها هزار افغان مسلمان و مجاهد رقم یافته است، تا هنوز نوشته و گفته نشده است! اکثر مردم ما بی سواد و کم سواد اند و جوانان دلاور جهاد نیز حوصله و ذوق نوشتن و یا حکایه کردن را نداشته اند. در تاریخ دنیا، چقدر حکایت ها و قصه های واقعی و یا ساختگی به سود مردم هر کشور ساخته و پرداخته شده و خود و ملت های شان را قهرمان و آزادیخواه جلوه داده اند. اما مردم ما و ملت ما که در واقع بهترین دلاوران و مجاهدان راه خدا اند، همه قصه ها و حکایت های خویش را به گور برده و یا کمتر به دیگران گفته اند.

نشرات مجاهدین در سالهای جهاد و مقاومت، برخی کوچک از این قصه ها و حکایت ها را به نشر رسانیده و گوشه های کوچکی از شهامت و دلیری مردم را بازگو کرده است. از هر شهر و قریه و دهکده ای افغانستان، صدای مبارزه و جهاد جوانمردان دلاور به گوش می رسید، از هرکوچهٔ قریه ها پیرمردان مجاهد را می بینیم که هرگاه سخن را باز نماییم، درد ها و رنجهای بیکران شان را در سالهای جهاد و از دست دادن فرزندان مجاهد شان را در این دوره، می شنویم و در این سطور فقط از یک پیر مرد مجاهد به نام حاجی عبدالمنان ازقریهٔ باغمرزای مرکز ولایت لغمان صحبت می کنیم که سه فرزند نوجوانش را به نام های (محب الرحمن، شاه احمد و سمیع الدین) در راه خدا و در راه حفظ عزت و ناموس کشور و در برابر تجاوز عسکری شوروی ها و نوکران شان قربان کرده است. این نوجوانان با ایمان بودند که با شور و ولولهٔ جهاد به صف مجاهدین پیوستند و یکی بعدی دیگری در راه خدا و نجات کشور، شهادت را در آغوش گرفتند.

امروز مردم افغانستان به خانوادهٔ عزتمند و با شرف این نوجوانان از صمیم قلب احترام می گذارند و نام نامی این جوانان و نوجوانان مجاهد را گرامی می دارند. هزار آفرین و شادباش بر حاجی عبدالمنان و همه آنانی که جگر گوشه های خویش را یکی پی دیگر به سنگر جهاد فرستادند و هزاران آفرین بر مادر داغدیدهٔ این عزیزان و دیگر مادرانی که جنازه های فرزندان دلبندشان را با دل درد دیده به خاک سپرده اند. اما نام این خانوادهٔ سربلند و با عزت، امروز زیب صفحات تاریخ نیست.

مردم از شهامت و دلیر مردی اینها اطلاع ندارند و جز عده ای کوچک از قریهٔ شان، تمام حکایت های آنان پوشیده و ناگفته مانده است! نام این خانواده و فرزندان شهید آن، در هیچ کتاب و دفتر جهادی و غیر جهادی ثبت نشده و هرگز و هرگز حاجی عبدالمنان و دیگر اعضای خانواده، برای دریافت کمک به این موسسه و یا آن موسسه مراجعه نکرده اند.

این است همت بزرگ و علو همت این خاندان مجاهد پرور! حیف و صد حیف که امروز کی از این خانواده و خانواده های مشابه سراغ نمی گیرد و به دردها و آلام سی سالهٔ شان مرهم نمی گذارد. اما مردم مسلمان ما و تاریخ بیدار سرزمین ما و سرنوشت کشور ما و برتر از همه حکم و اختیار خدای بزرگ بر عظمت و بزرگی این ها صحه می گذارد و اسلام و وطن به آنان افتخار می کند.

آزادی چهار زندانی افغان از گوانتانامو

ابوبکر سبزوار



هفتهٔ گذشته چهار زندانی افغان، از زندان گوانتانامو آزاد شد و به دولت افغانستان سپرده شدند. عبدالغنی، عبدالظاهر، شاه ولی خان، و خیالی گل بیش از یک دهه را به اتهام داشتن رابطه با طالبان در این زندان سپری کردند. شورای عالی صلح مدعی است که آزادی این افراد می تواند در پروسهٔ صلح افغانستان موثر باشد. گفته شده که این افراد به خواست رئیس جمهور غنی آزاد شده اند.

با آزادی این چهار تن، گفته شده که اکنون فقط هشت زندانی افغان در گوانتانامو باقی مانده اند و رئیس جمهور افغانستان از امریکا خواسته است که آنها را نیز آزاد سازند. چهار زندانی آزاد شده به خانواده های شان ملحق خواهند شد. دولت امریکا گفته است که این افراد دیگر خطری برای منافع این کشور نیستند.

اکنون سوال اینست که این افراد واقعاً همانگونه که شورای عالی صلح ابراز امیدواری کرده است، می توانند در پروسهٔ صلح موثر باشند. در این رابطه لازم است تا این نکته روشن شود که آیا این افراد چه رابطه ای با طالبان داشتند و چقدر در این تحریک مهم بودند؟

در سال ۲۰۱۰ که مذاکرات میان طالبان و امریکائی ها در آلمان شکل گرفت، یکی از شرایط دوام این مذاکرات، آزادی شش تن از زندانیان زندان گوانتانامو بود. این افراد سرانجام چند ماه قبل از زندان آزاد شده و به قطر منتقل گردیدند.

از آن به بعد، دوسیهٔ زندانیان گوانتانامو در مذاکرات میان امریکا و طالبان بسته شد اما هنوز هم تعدادی از زندانیان افغان در آن زندان باقی بودند و این سوال مطرح بود که این زندانیان چه کسانی اند و به چه ارتباط دستگیر شده اند؟

ملا عبدالسلام ضعیف در کتاب خود «تصویری از گوانتانامو» نوشته است که در گوانتانامو تعدادی از زندانیان به نفع امریکائی ها جاسوسی می کردند که در میان آنان تعدادی افغان هم شامل بودند. وی از اشخاصی به نام های سردار و فدا از زرمت پکتیا و انور از ولایت کنر نام می برد.

ضعیف می نویسد: ... انور بعد مرتد شد و به خدا و رسول نسبت های بد می داد و عزم اهانت به قرآن کریم را داشت که به اصرار زندانیان، امریکایی ها قرآن را از نزد وی گرفتند. انور بعد نادم شد و توبه کرد. این افراد در منطقهٔ زرمت دستگیر شده بودند و جوانان کم سن و سالی بودند اما اخلاق شان فاسد و معتاد به مواد مخدر هم بودند. آنها در زرمت از تفنگداران قوماندانی به نام «ثمود» بودند که با امریکایی ها کاّر می کرد.

بنابراین دیده می شود که در گوانتانامو افراد دیگری هم که رابطه ای با طالبان نداشتند، زندانی بودند. یکی از زندانیان آزاد شده از گوانتانامو به نویسنده گفت که، در میان زندانیان افغان افراد دیگری هم بودند که با طالبان رابطه ای نداشتند اما به همین اتهام در زندان بسر می بردند. شاید بعضی از آنها را پاکستانی ها به نام افراد مهم طالبان به امریکائی ها فروخته بودند. در این میان کسانی هم بودند که شاید بصورت مستقل با بعضی از گروه ها از جمله القاعده، رابطه داشتند.

در مورد این چهار تن نیز طالبان اعلامیه ای نشر کرده و گفته اند که چهار افغان که از سالها در گوانتانامو زندانی بودند، آزاد شده اند. در این اعلامیه نیز هیچ اشاره ای به ارتباط این افراد با طالبان نشده است. بنابراین نمی توان آزادی این افراد را مستقیماً در پروسهٔ صلح با طالبان موثر دانست.

در مورد اینکه این افراد به خواست رئیس جمهور غنی آزاد شده باشند باید گفت که، از مدتی قبل رئیس جمهور اوباما تصمیم گرفته است تا این زندان بسته شود و تا کنون تعدادی از زندانیان غیر افغان این زندان هم به کشورهای خودشان فرستاده شده اند و اگر کشورهای شان از پذیرفتن شان ابا ورزیده اند، امریکا آنان را به کشور دیگری فرستاده است. بعنوان مثال چند تن از ایغور های سین کینانگ که بعد از آزادی اکنون در امریکا زندگی می کنند. بر بنیاد همین برنامه شاید در آیندهٔ نزدیک هشت زندانی دیگر افغان هم از گوانتانامو آزاد شده و به دولت افغانستان سپرده شوند.

۲۰۱۴ سال خونین در افغانستان

گروه طالبان مسؤول ۷۵ درصد کشتارها در افغانستان اند

عنایت



سال۲۰۱۴ خونین ترین سال از ۲۰۰۱ میلادی بدین‌سو در افغانستان خوانده شده است. لقب سال خونین را به ۲۰۱۴، سازمان ملل متحد، نهادی که در قضایایی افغانستان دخیل است داده است. این سازمان در تازه ترین گزارش خود اعلام کرده است، سال ۲۰۱۴ میلادی سالی خونین و مرگ‌بار برای غیرنظامیان افغانستان بوده است.

نیکولاس هیسم، فرستادهٔ ویژهٔ دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان در نشست خبری در مقر این سازمان در نیویورک گفته است: میزان تلفات غیرنظامیان افغانستانی نسبت به زمان مشابه سال گذشته افزایش را نشان می دهد. هیسم تصریح کرده است که از آغاز سال ۲۰۱۴ میلادی تاکنون ۳۱۸۸ غیرنظامی افغان کشته شده اند و ۶۴۲۹ تن دیگر زخمی شده اند که جمع کل قربانیان افغان در سال جاری میلادی به ۹۶۱۷ نفر می رسد. براساس آمار این سازمان، تلفات کودکان نسبت به سال گذشته، ۳۳ درصد و تلفات زنان ۱۲ درصد افزایش یافته که بیانگر بالاترین سطح آمار تلفات غیرنظامیان از زمانی است که سازمان ملل متحد ثبت تلفات غیر نظامیان را از سال ۲۰۰۹ آغاز کرده است.

در همین حال جورج گاگنون رئیس بخش حقوق بشر دفتر هیئت کمک سازمان ملل در افغانستان در مورد حوادث و رخدادهای که بیشتر قربانیان به آن مواجه شده اند، گفته است که مین گذاری های کنار جاده، حملات انتحاری و انواع حملات پیچیده گروه شورشیان منجر به تلفات غیرنظامیان در افغانستان شده است. گاگنون افزوده است، گروه شورشیان موسوم به طالبان عامل اصلی ۷۵ درصد این قربانیان است و احتمال آن وجود دارد که آمار تلفات غیرنظامیان در افغانستان تا آخر سال جاری میلادی یعنی تا یک هفته دیگر از مرز ۱۰ ده هزار هم خواهد گذشت. چیزی‌که تا اکنون سابقه نداشته است. آمار قربانیان در حالی که در پایان سال ۲۰۱۴ نشر می شود که سازمان ملل متحد در گزارش سال ۲۰۱۳ میلادی خود مجموع آمار قربانیان را ۸۶۱۵ نفر اعلام کرده بود.

گزارش سازمان ملل متحد در حالی نشر شد که در این اواخر سازمان پیمان اتلانتیک شمالی یا (ناتو) اوضاع امنیتی را در افغانستان طی گزارشی رو به بهبود خوانده است. در همین حال (ویتالی چورکین) نمایندهٔ دایمی روسیه در سازمان ملل نیز در واکنش به گزارش ناتو، در مورد بهبود وضعیت امنیتی افغانستان ابراز نگرانی نموده و آن را غیر واقعی خوانده و گفته است که طالبان و االقاعده همچنان تهدیدی جدی برای افغانستان و منطقه به شمار می روند. چورکین روز پنجشنبه تاریخ ۳ جدی در نشست شورای امنیت سازمان ملل با غیر واقعی خواندن گزارش ناتو در مورد وضعیت امنیتی افغانستان گفت: (شمار غیرنظامیان و ماموران پلیس و ارتش ملی افغانستان که توسط شورشیان (طالبان) در یک سال اخیر کشته شده اند، ۲۰ درصد بیشتر از سال گذشته بوده است. این گروه ها (شورشیان) بی باکانه تر فعالیت می کنند و حملات تروریستی تقریبا دو برابر شده است. برخی آگاهان می گویند که نظامیان سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) به رهبری امریکا ۱۳ سال قبل با وعدهٔ مبارزه با تروریسم و مواد مخدر و ایجاد صلح و ثبات به افغانستان لشگرکشی کردند اما هیچ یک از اهداف آنان عملی نشده است.

مبارزه با تروریسم و تولید مواد مخدر در رأس برنامه های ناتو اعلام شده بود، اما اکنون با نگاهی سطحی به خوبی می بینیم که اوضاع بدتر از ۱۳ قبل شده است. این آگاهان می گویند که تروریسم بیش از پیش در منطقه قوت گرفته و نا امنی ها افزایش چشمگیری یافته است. در این اواخر ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه گفته است که داعش قصد دارد بخشی از افغانستان را تحت کنترل در آورد. وی گفته است که معلومات ما می رساند، این گروه دهشت افگن از چندی بدینسو در بخش های افغانستان فعال شده است. در مورد فعالیت های داعش در افغانستان مقامات امنیتی کشور تا اکنون چیزی نگفته اند. چندی پیش برخی از گروه های تند رو در پاکستان اعلام کرده بودند که با ابوبکر البغدادی رهبر گروه داعش بیعت می کنند. از سوی هم در پهلوی تهدیدات امنیتی، حضور نیروهای دهشت افگن در منطقه، تولید و قاچاق مواد مخدر نیز چندین برابر افزایش یافته است. زیرساخت های کشور همچنان با مشکلات جدی روبرو هستند و در این عرصه توجه شایانی صورت نگرفته است. در بخش توسعه به ویژه توسعه انسانی و کار آفرینی توجه جدی نشده و با گشت هر روز اوضاع سیاسی و اجتماعی وخیم تر می شود. فقر و بیکاری بیداد می کند و بن‌بست سیاسی و اختلافات بر سر عدم معرفی کابینه از سوی رهبران حکومت وحدت ملی به نگرانی های جدی مردم دامن زده است.

۶ جدی ۱۳۵۸

یک روز نامیمون در تاریخ افغانستان



□ **عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل**

اتحاد شوروی در جدی ۱۳۵۸ هـ ش دچار اشتباه بزرگی استراتیژیک در افغانستان گردید. اشغال افغانستان توسط این کشور نه تنها ضربات سنگین را بر پیکر اقتصادی و نیروی بشری در افغانستان به وجود آورد؛ بلکه زمینهٔ فرو پاشی اتحاد شوروی را فراهم نمود و کشورهای آسیای میانه پس از ۷۰ سال اشغال و استبداد به آزادی و استقلال خویش دست یافتند، دیوار برلین فرو افتاد و افغانستان وارد فاز نوینی سیاسی خویش گردید.

باید گفت که جهاد و مبارزه در برابر اتحاد شوروی مردم ما را سیاسی ساخت و مردم از سیاست، جهاد و وطن دوستی چیز های زیادی آموختند که قبل از آن به آن نمی پرداختند. جهاد مردم افغانستان به خاطر آزادی و استقلال یکی از شهکار های جهان در قرن بیستم است. اتحاد شوروی با تمام ساز و برگ نظامی اش در برابر برهنه پایان شکست خورد و به این شکست خویش در پایان مصاف اعتراف نمود و این اشغال را یک اشتباه استراتیژیک برای خویش خواند.

امریکایی ها و مخالفان اتحاد شوروی در شورای امنیت از این موقع استفاده نمودند و مجاهدان افغانستانی را در مبارزه و نبرد با اتحاد شوروی با تمام وسایل پیشرفته حمایه نمودند و پیشرفته ترین سلاح خویش را در اختیار آنان قرار دادند. باید گفت که عامل اساسی شکست شوروی استعمال سلاح های پیشرفتهٔ امریکا و اروپا در برابر اشغال گران نبوده است؛ بلکه اراده و ایمان راسخ مردم مسلمان افغانستان در این شکست در ردهٔ نخستین قرار دارد. شکست اتحاد شوروی در برابر مجاهدان افغانستان موجب ختم جنگ سرد در جهان گردید و اتحاد شوروی در عرصهٔ جهانی و ایدیولوژی مارکسیستی به یک تیوری اشغالگر در جهان به معرفی گرفته شد.

در مورد تبعات منفی این اشغال، تلفات ملکی، زیر ساخت های اقتصادی و بافت اجتماعی افغانستان سخنانی زیادی گفته شده است و مطبوعات داخلی و بیرون مرزی در این خصوص تحقیقات فراوان نموده اند. آنچه در این نوشته پرداخته می شود، ارج گذاری مردم جهان در برابر این مبارزه بر حق مردم افغانستان است و مردم افغانستان از این نقطه نظر بالای مردم جهان حقی بزرگی دارند. چرا امروز مردم جهان به پروفیسور برهان الدین ربانی، احمدشاه مسعود و مجاهدانی راه حق در افغانستان ارج می گذارند و به آن احترام می نمایند؛ زیرا آنها برای آزادی قیام نموده اند و برای آزادی جان باختند. این بزرگ ترین هدیهٔ است که در برابر آزادی و استقلال داده می شود. به همین گونه چهره های فراوانی در جهان مورد احترام قرار دارد. این چهره ها در کشور های اسلامی و غیر اسلامی فراوان دیده می شوند که در برابر آزادی رزمیدند و به خاطر آزادی از جان گذشتند. این هدیهٔ بزرگی است که شخصیت های جهانی به خاطر به دست آوردن آزادی قربانی نموده اند.

شش جدی ۱۳۵۸ در افغانستان نمادی اشغال و مقابله در برابر آن نماد آزادی خواهی در جهان است. فروپاشی اتحاد شوروی در نتیجهٔ این جنگ ویرانگر در افغانستان نقطه یی عطفی است که باید هیچ ابر قدرتی پس از این کشورهای دیگر را به اشغال در نیاورد و باید به تمامیت ارضی کشورها احترام گذاشته شود. اشغال افغانستان به وسیلهٔ نیروی نظامی اتحاد شوروی در حقیقت زیر پا گذاشتن منشور سازمان ملل در مورد حق سرنوشت کشورها محسوب می گردید و به همین منظور جامعهٔ جهانی با اکثریت قاطع این اشغال را محکوم کردند و خواهان خروج بلاقید و شرط اتحاد شوروی از افغانستان گردیدند. امریکایی ها و متحدان آن علاقهٔ چندانی به خروج فوری اتحاد شوروی از أفغانستان نداشتند و تلاش می ورزیدند تا مجاهدان افغانستان با اتحاد شوروی در جبهات جنگ با این قوای اشغالگر به نبرد بپردازند، تا خسارات انسانی و اقتصادی را متحمل گردند و از این طریق گویا انتقام جنگ ویتنام را از اتحاد شوروی بگیرند. کمک و مساعدات های مادی و سیاسی از طرف امریکا و متحدانش در ظاهر قضیه دفاع از آزادی افغانستان عنوان می گردید؛ اما از زاویهٔ دیگر یکنوع انتقام گیری امریکایی ها از اتحاد شوروی نیز گفته شده است؛ اما مجاهدان افغانستان از هر وسیلهٔ ممکنه به خاطر آزادی وطن شان می رزمیدند و هیچ چیزی بالاتر از استقلال افغانستان نزد آنها نبوده است. ص۷

د ترهگرۍ پر خلاف مبارزه دین پیروي، عدالت او ولسپالنه غواړي



□ **شفیق**

افغانستان د بن له توافقاتو وروسته هغه هیواد وگرځیده چې د نړیوالو پام یې ځانته راواړوه او د بیا ودانولو حشر ته یې ډېرو را دوانگل؛ بهرنیانو هم له خپلو ولسونو څخه مرستې راوړې او پر مونږ یې دا احسان وکړ چې گویا تاتوبی راته آبادوي او مونږ خپلو افغانانو هم د بخت آزموینې لیار ونیوله؛ د ډېرو په لاس د هیواد رغاونې نسخې ولیکل شوې او یا یې پروژې پلې شوې او بالاخره د ۲۰۱۴ م کارتر را بره کېدو پورې د دوهمې نړیوالې جگړې وروسته، د ټولې اروپا د آبادۍ لپاره تخصیص شوې بودېجې څخه هم، ډیر مبالغ و لگېدل خو لا تر اوسه هم افغانان په پښو و نه دریدل او نه د امنیت له ژوند څخه برخمن شول؛ ددغو مرستو یوه غټه برخه د ترهگرۍ(؟) پر خلاف جگړه کې په خپله د امریکایانو او یا هم د بهرنیو مؤسساتو په لاس د بیا رغونې په لړ کې و لگېده او بالاخره افغانانو او بهرنیانو دواړو، د مرستو په سمه توگه نه لگولو لامله د یو بل په فساد تورونولو نانډرۍ هم ووهلې.

بهرنیو ادارو او په ځانگړې توگه د شفافیت د څار نړیوالې ادارې کله د افغانستان نوم د نړۍ د فاسدو دولتونو سرته یوور او کله یې څلورم ته راوړ او افغان دولت یې په ځواب کې ورته نانډرۍ ووهلې.

افغان ولس خو د دغو مرستو څخه کوم خیر لاسته رانه ووړ؛ بلکې د هغې پر له پسې ناامنۍ کوربه یې وگرځاوه چې د بازار د اقتصاد له برکته یې له یوې خوا باید د کور یوازینۍ ډوډۍ راوړنکی هره ورځ کار وکړي، څو د خپل اولاد لپاره د ښوونځي فیس پیدا کړي او له بلې خوا یې بیا هره ورځ زړه درزیږي چې چیرې د بچې د ښوونځي مخې ته یې، یا لیار کې یې چاودنه ترسره نشي او یا خپله د حلالې روزۍ گټلو لپاره لیار کې د چاودنې او برید قرباني نشي؛ ولې چې د عزرائیل د لښکر هم دا خاوره خوښه شوې ده؛ ځکه دلته د مال او ثروت گټلو د سیالۍ تر څنگه د سرو، زیړو او شنو جنتونو د گټلو سیالۍ هم روانې دي. خو د ولس غریبه طبقه پکې بیا د یوې مړۍ ډوډۍ گټلو لپاره په خپلو سرونو لوبې کوي او د زیږ جنت د ټیکدارانو په خیرات کې یې هم برخه نده رسیدلې.

څوک ددغه مظلوم ولس د ښکیلولو لپاره بې پیلوټه الوتکې آزمایي او څوک یې غواړي په باروتي واسکټونو گرم کړي؛ دواړه لورې یې د نجات او خلاصون ادعاء هم لري او وایې چې د دوی خیر غواړو. او هغوی چې د بې پیلوټه الوتکو څخه مرسته غوښتل د ځان اړتیا وینې؛ څو پراخې نړیوالې مرستې په ډاډه زړه وخوري او یا خپل مخالفین د ترهگرۍ په لومه کې ونیسي، هغوی یې هم د ځان دښمنان گرځیدلي. که څه هم په ختمه یو دي خو د مادیاتو د ړندې دنیا په وړاندې د دوست او دښمن گټلو خپل معیارونه دي؛ د افغانانو لپاره د بهرنیو مرستو د هرپ کولو په نشه کې له واکمنانو څخه که چا د خپل حق غوښتنه وکړه، هغه هم کله کله ترهگر بلل کیږي؛ ځکه ژوند او نعمتونو کې ډوبیدل د زورور په وړاندې د هغه یواځینې حق دی، باید چې څوک ورته صدمه و نه رسوي او بیا دا تاتوبي خو ډیرو د خپل هوس پالنې او زور آزمایني په وسله آزاد او خپلواک(؟) ساتلی دی، نو باید چې د ویاړ شمله یې ورڅخه وانخستل شي؛ ځکه د ترهگرۍ له بلا څخه د نجات لیار همدا ده، چې له افغانانو څخه یې خوب تښتولی دی. نو کله چې د چا مسوولیت زیات اوسي باید برخه یې هم زیاته اوسي، که څه هم د نورو په دې تاتوبي کې په ځای نه کېدو هم تمامیږي او دوی دې د هر څه مالکان او واکمنان اوسي او هم دی د دوی هره غوښتنه عملي کیږي که څه هم د هیواد او ولس ارزښتونه مو د پښو لاندې کیږي!!

د دیارلسو کلونو په دوران کې خو د ترهگرۍ ځپلو لپاره همدا نسخه وکاریدله، مگر ورځ تر بلې یې ترهگري زیاته کړه او کمه نه. د ولایتونو خو پریږده، ان تردې چې د پایتخت وگړي هم په آمن نشو نو آخر لیار څه ده چې له دغې بلا خلاص شو او ددې شومې پدیدې جرړې نورې وویستل شي؟!

که چیرې لږ خپلو گریوانونو ته وگورو او د ځانونو سره دا محاسبه وکړو چې آیا هغه امتیازات چې مونږ یې لرو د نور ولس سره مو شریک کړي دي، له هغو امکاناتو چې مونږ برخمن یو د بل چا هم حق گرځیدای شي؟ نو ضمیر به مو ځواب راکړي چې نه؛ ځکه دا هیواد خو د هر افغان کور دی، د ناسمو کړنو او ظلم او خیانتونو لامله چې زمونږ ځینې هیوادوال د نورو په لاس کې لوبیږي، ولې یې په خپل لاس زمینه برابره کړو؟ راځئ چې یواځې د اسلام پیروۍ، وطن پالنې او عدالت خپرونې له لیارې د هغو خلکو لاسونه لنډ کړو چې په افغانانو کې دښمنۍ کرې او درزونه پیدا کوي او د هغو بې عدالتیو او هوس پالنو بتان مات کړو چې په پاللو سره یې مونږ د خیانت، اداري او اخلاقي فسادونو او په نورو گنهو ناروغیو اخته کړی یو، چې له یوې خوا مو تاکنې د درغلیو ډکې وي او له بلې خوا کانکورونه. او ددې پر ځای چې دندې او مسوولیتونه بادیانتو، پوهو، لایقو او د کارور خلکو ته وسپارو او د روابطو پر ځای ضوابط حاکم کړو، هغو ته واک او دندې سپارو چې ورځ تر بلې مو شرموي او د دنیا د ملنډو مو گرځوي، تعلیمي او تحصیلي اداري مو یواځې په نوم پاتی دي؛ آزموینې پکې حقیقت نلري، واسطې او رابطې د لیاقت ځای نیولې او خیانت زمونږ کلتور گرځیدلی دی، او پر خلاف یې مبارزه او حقیقت پالنه لیونتوب گرځیدلی دی.

از دستآوردهای جهاد!

◆ فقیری

اکثر مردم ما، دردها و رنج های سخت و دردناک رژیم های دیکتاتوری و استبدادی در کشور از ۲۶ سرطان تا ۷ ثور و تا ۶ جدی را تا هنوز احساس می کنند و در یاد و خاطره های این همه رویداد ها باقی مانده است.

مردم ما و اکثر جوانان و نوجوانان کشور ما شلاق دیکتاتوری و استبداد رژیم تحت سلطهٔ کمونیست ها در جمهوریت نمایشی و زجر دهندهٔ داوود خان را هنوز نیز بر اندام خویش احساس می کنند...

عقیده و باور مردم:

تعداد کثیری از مردم ما دارای عقاید و معتقدات دینی بودند ولی به سویهٔ ابتدایی و چند پیام روشن نظام زندگی ساز اسلام را نیز از علما و جوانان مسلمان شنیده بودند، علمای دین به تعداد اندکی در کشور وجود داشت و یا در زندان و یا در خفا بسر می بردند، گروهی مانند همیشه در مدارس دینی پاکستان و بعضی از طلبه های شیعه در ایران درس می خواندند. تعداد امامان مساجد بسیار کم و نایاب بود و کسانی امامت می کردند که فقط سوره های کوتاه اخیر قرآن را حفظ داشتند و از تفسیر و حدیث و حفظ قرآن بسیار کمتر اثری پیدا می شد.

برخی از قاریان قرآن فقط برای ختم قرآن به خانه های مردم دعوت می شدند و دیگران کمتر به قرائت قرآن دسترسی داشتند... این بود مجموعهٔ از عقاید و باورهای مردم ما در دوران طولانی سلطنت، جمهوریت شاهانهٔ داوود خان و اوایل رژیم های مزدور کودتایی.

محیط مهاجرت، محیط رشد استعداد ها:

با مهاجرت مردم به پاکستان و فراهم شدن زمینه های فراگیری تعلیمات دینی، اکثر مهاجران یا در تنظیم های جهادی و یا خارج از آن به مدرسه ها و مساجد پاکستان رفتند و در پی آموزش علوم دینی قرار گرفتند. همه مهاجران افغان، همه تایید کنندهٔ جهاد بودند ولی همهٔ شان در جهاد مسلحانه سهم نداشتند. تعدادی از مهاجران به کالج ها و دانشگاه های پاکستان درس خوانده و یا شامل مدرسه ها، مکاتب و یا دانشگاه های افغان شده بودند. پس در حقیقت جهاد مسلحانه، فقط در سلاح و مبارزهٔ مسلحانه خلاصه نمی شد و ساحات وسیعی را در بر می گرفت و شامل حلقه ها و حوزه های درسی دینی و غیر دینی نیز می گردید.

در دوران سالهای جهاد و هجرت، تعداد بزرگی از افغان های مهاجر، قاری قرآن شدند و تعداد بزرگ دیگر مولوی و مدرس دینی، پس یک پی آمد مهم دوران استبداد و تجاوز خارجی، آموزش دینی افغانها در سرحدات و خارج کشور بوده است.

از نظر نباید پنهان کرد که در داخل افغانستان و در ساحات تحت کنترول مجاهدین، مدرسه ها و مکتب ها وجود داشت و درس دینی داده می شد. پس یک فراخوان بزرگ برای آموزش مسایل دینی و حفظ قرآن کریم به وجود آمده بود.

دست آورد جهاد:

تعدادی از مخالفان جهاد و افغانستان و حتی برخی از مجاهدان ایراد می گیرند که این همه قربانی و فداکاری مردم ما و این همه تلفات و جان نثاری ها در راه خدا و نجات کشور... سرانجام دست آورد و ماحُصل آن چیست؟ برخی از ساده لوحان فکری می کنند که دست آورد جهاد، حتماً اقامهٔ حکومت اسلامی است!

اما جهاد و مبارزه در راه اسلام، در راه خدا و در راه حفظ عزت و ناموس کشور و نجات از اشغال و تجاوز خارجی، یک مسؤولیت دینی هر مسلمان است و مجاهدان با جهاد در این راه مسؤولیت دینی و وطنی خویش را ادا کرده اند و هرگاه حکومت مقتدای اسلامی و عدالت اسلامی را بر قرار می کردند، یک کار بسیار خوب و باعث عملی شدن آرزوها و آرمان های مجاهدان و شهدای گرانقدر ما می شد و اگر نشد و یا طوطئه ها و دسایس دشمنان اسلام و افغانستان و طرح های خرابکارانهٔ طالبان قدرت در داخل و با کمک اجنبی ها، این برنامه را ناکام ساخت، بازهم کار مجاهدان و وظیفه و رسالت آنان به پایان رسیده و وعده های خویش را در برابر خدای متعال به صداقت به پایان رسانیده و به حضور خدا راه یافته و یا در انتظار آن هستند... اما امروز در افغانستان عزیز و در هر قریه و دهکده، ده ها قاری قرآن و مدرس علوم دینی وجود دارد. امروز در همه جا در میان حلقه ها و تعدادی از مردم نماز های جماعت ادامی شود و فقط به یک امام منتظر باقی نمی مانند، امروز همه مرد ها و زنان از اصول اسلام و قرآن آگاهی نسبی دارند و این چیزی بود که در تاریخ سرزمین ما بی سابقه است.

پس بزرگترین دست آورد جهاد- با صرف نظر از آزادی و نجات کشور — فهم و دانش دینی مردم ما است که دیگر تنها به دنبال ده ملاها و پنج کتاب ها نه می روند بلکه، اصول دین را از مراجع مهم دینی و از مفسرین و محدثین یاد می گیرند و خدا را شکر که در این عصر دموکراسی فریبنده و عریان غربی، علمای با نام و مشهوری داریم که همه تلویزیون ها در برنامه های دینی از آنان دعوت می نمایند و این بزرگترین افتخار دست آورد تاریخی جهاد است که فرزندان امروز و فردای افغانستان به آن افتخار می کنند.

۶ جدی ۱۳۵۸ یک روز نا میمون...

در این نبرد نامتجانس افغانستان آزادی و استقلال خود را به دست آورد و سرانجام فروپاشی اتحاد شوروی با دستان نیرومند مجاهدان افغانستان فراهم گردید. اشغال اتحاد شوروی در شش جدی ۱۳۵۸ از برهنه ترین اشغال در قرن بیستم در جهان است و جهاد مردم افغانستان در برابر این ابرقدرت جهانی روحیهٔ آزادی خواهی را در میان اقلیت های مظلوم جهان و کشورهای در بند کشیده به وجود آورد و این مبارزه یک الگوی خوب برای مستضعفان جهان گردید.

باید شش جدی را حرمت گذاشت و به اشغالگران و عاملان اشغال در افغانستان نفرین گفت. این اشغال مقدمات تمام بدبختی های مردم افغانستان را طی سال های آخیر در پی داشته است. این اشغال نه تنها زیان های مادی و معنوی فراوانی را در افغانستان به جا گذاشت؛ بلکه جریان افراط گرایی اسلامی در افغانستان را نیز به دنبال داشت. بعد از خروج نیروهای اتحاد شوروی مردم افغانستان طعم تلخی آزمندانهٔ کشور همسایه را چشیدند و جریان افراط گرایی از طریق این کشور همسایه در افغانستان نفوذ نمود. این پدیده های منفی محصول همان اشغال از سوی اتحاد شوروی بوده است. حاکمان پاکستانی در آن زمان به دلیل·اینکه میلیون ها مهاجر افغانستانی را در خاک خود پناه داده است، خود را مستحق مداخلهٔ شرعی در امور افغانستان می دانستند و آن حاکمان به این باور بودند که همان استراتیژی را که اتحاد شوروی در سر می پرورانید و ادارهٔ افغانستان را به طور مستیقم در اختیار داشت رهبران افغانستانی باید مشوره های این کشور را از دل و جان بپذیرند و این حق را برای خود محفوظ داشته بودند.

نتیجه این طرز تفکر از سوی کشور همسایه پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان منجر به جنگ های ذات البینی در افغانستان گردید، که نتیجه اش بر گرفته از همان اشغال اتحاد شوروی وقت بوده است که مردم افغانستان هیچگاه آن را از یاد نخواهند برد.

پارلمان و ماجرای وزیران...

نیز صورت گرفته بود و بعد از مداخلهٔ دولت ماجرا به نفع وزیران دارای تابعیت دوگانه پایان یافت و از هر کس از این خوان یغما که برای شان چیده بودند و از این سفره رنگین سیاست بهره یی بدست آوردند. این بار نیز شرایط چندان تغییر نکرده است. وزیران پیشنهادی به راحتی رای اعتماد بدست خواهند آورد. این دشواری های قانون اساسی افغانستان است که صلاحیت تائید و رد وزیران دارای تابعیت مضاعف را به پارلمان داده است. برخی اعضای این پارلمان پیش از این که به منافع و مصالح علیای کشور بیاندیشند، بر تفکر قومی خویش استوار خواهند بود و تعدادی گوش به فرمان حکومت اند که آیا حکومت چه نغمه یی را به گوش آن ها خواهد شنواند.

در صورتی که مجلس نماینده گان به این تصمیم خویش استوار باشند، یک دستآورد بزرگ نه تنها برای مجلس بلکه، به نفع افغانستان و جامعهٔ قانونمند خواهد بود. پیش از اینکه در مورد اعضای مجلس چیزی گفته شود، جای دارد که در گام نخست قانون اساسی افغانستان اصلاح و تعدیلات لازم در آن آورده شود، زیرا تعدادی از وزیرانی که وظیفهٔ خود را به پایان رسانیده اند و از هیئت کابینه سبکدوش گردیده اند دوباره به سر زمین های اصلی خویش بر گشته اند. همان گونه که بدست آوردن تابعیت از یک کشور خارجی از خود شرایط و تلاش هایی زیادی را مطالبه می نماید، به همان تناسب دادن تابعیت نیز کار ساده یی نخواهد بود و این افراد حاضر نیستند به هیچ صورت تابعیت خود را از دست بدهند، زیرا خانواده ها و افراد نزدیک به آنها در این کشورها زنده گی می نمایند و منافع این کشورها بدون شک نسبت به افغانستان نزد شان اولویت دارد و این چیزیست که به تجربه رسیده است.

پاکستان کې میشتو مهاجرینو لپاره...

د نوموړي په دغه ضمانت باندې بیا له سره غور کولو غوښتنه هم وشوه او د نړدې پنځه سوو هغه طالبانو د اعدام د حکم صادریدلو امکان هم برېښي چې د ترهګرۍ په عملیاتو کې تورن دي.

د پاکستاني حکومت وروستۍ پریکړه ځکه جدي او د طالبانو لپاره خطرناکه ده چې په پوځي ښوونځي کې ۱۳۲ تنه وژل شوي زده کوونکي ډېرې یې د پاکستاني پوځیانو اولادونه دي او دغه پېښه له همدې امله پاکستاني دولت ته یوه دردوونکې غمېزه ده، چې لامله یې د لال جومات د خطیب پر خلاف هم خلکو مظاهرې کړې؛ پداسې حال کې چې د لال جومات هغه پېښه چې پکې د قرآن کریم ګڼ شمیر حافظان هلکان او انجونې شهیدان شوي وو، د پرویز مشرف په تندي هغه تورداغ دی چې څو ځله د مشرف پر خلاف د ثبت شوو دوسیو څخه یوه دوسیه دا هم وه چې د خپلې دیکتاتورانه واکمنۍ پر مهال یې پدغه مسجد او مدرسه بېرحمانه برید کړی وو او د هماغې پېښې په عکس العمل کې په پاکستان کې د طالبانو تحریک را اوچت، یا پیاوړی شو او پاکستان یې هم د افغانستان په څېر حالت سره مخ کړ.

مګر افغان مهاجرین چې د مهاجرت د نړیوال سازمان (IOM) د قوانینو سره سم، پدغه هیواد کې میشت دي او د یو این ایچ سی آر او پاکستاني دولت ترمینځه د توافق له مخې ورته په دریم ځل هم د مهاجرت هویت پاڼې (کارتونه) تمدید شوي هم دي. ددغه نړیوال سازمان د قانون له مخې به په خپله خوښه خپل هیواد ته ستنیږي او بیا پداسې حال کې چې د افغان دولت امنیتي وضع هم ورځ تر بلې خرابیږي او اقتصادي ستونزې هم ورسره زیاتیږي نو پداسې شرایطو کې د ترهګرو انتقام له مهاجرینو څخه پدې توګه اخستل؛ چې د یو میاشت دننه باید نا ثبت شوي مهاجرین هیوادد ته ستانه کړای شي او ثبت شوي به له ښار څخه نورو ځایونو ته لیږدول کیږي، یوه ظالمانه او د خوړې ګوتې څخه نیولو معنا لرونکې پریکړه ده، چې د سرحد حکومت ګوند (د انصاف تحریک) مشر عمران خان یې هم تائید کړی او د مرکزي حکومت څخه یې د افغان مهاجرینو خپل هیواد ته د ستنولو غوښتنه کړېده.

په پاکستان او ایران کې میشتو افغان مهاجرینو څخه د هندو دوکاندار او دوکاندار ته د هغې ورغلې ماشوم لرونکې ښځې قصه جوړه شوې ده چې د هندو او ښځې څخه به له هر چا باد ووتل نو ډب به یې ماشوم ته ورکاوه. اوس ددغو بې وزلو مهاجرینو هم حالت هم داسې دی؛ کله خو یې افغان دولت هم غم ندی خوړلی؛ چې ورته د کورونو لپاره ځمکې ورکړي او یا یې د راستنولو تابیا ونیسي؛ بلکې د ډېرو حقه حقوقو څخه یې محروم ساتلی لکه په ټاکنو کې د ګډون حق نه ورکول او سربېره پردې په جاسوسی یې هم کله تورنوي؛ پداسې حال کې چې هیڅوک هم د خپل هیواد پر ځای بل هیواد کې ژوند نه خوښوي. او کله یې پر خلاف بیا د پاکستان د پولیسو غواګانې لنګیږي؛ چې کله هم د ناامنۍ یوه پېښه رامینځته شي نو بیا یې زور له دوی خوارانو وځي. الله دې د دوی په حالت ورحمیږي او زمونږ دولت ته ددې احساس ور په برخه کړي چې د خپلو هیوادوالو هیواد ته د راستنېدو لپاره په فکر کې شي او د ایران او پاکستان حکومتونو ترحم ته یې همداسې سپارلی پرېنږدي.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۳۵ ۶جدی ۱۳۹۳ ۵ ربیع الاول ۱۴۳۶ 27 Decembers 2014

پاکستان کې میشتو مهاجرینو لپاره د پوځي ښوونځي پېښه غم شوه



□ شفیق

پاکستان د افغانستان د مهاجرینو له ټولو څخه زیاتي شمېرې کوربه هیواد دی؛ ځکه دا مهال په دغه هیواد کې یوازې پنځه لکه داسې افغانان شتون لري چې د پاکستان سره تر اوسه هم ندي ثبت شوي او اوه لس لکه نور مهاجرین بیا داسې دي چې د (یو این ایچ سی آر) د پروژې له مخې په دریم ځل هم ورته د مهاجرت پېژندنې پاڼې (کارتونه) ورکړل شوي دي او په قانوني توگه ددې حق لري چې د ۲۰۱۵ میلادی کال تر پایه پدغه هیواد کې د مهاجرینو په توگه واوسیږي.

هسې خو په پاکستان کې وخت نا وخته ددغو مهاجرینو لپاره گواښونه موجود وو؛ چې هر کله به پاکستاني پولیسو وغوښتل نو د کارت لرلو سره سره به یې هم، نږدې تاڼو یا پولیس مرکزونو ته بوتلل خو په سرحد ایالت کې د عمران حکومت له راتگ سره او د (یو این ایچ سی آر) لخوا دوی ته بیا د کارتونو ورکولو سره د مهاجرینو دغه ستونزه کمه شوې وه او د تېر په څېر به د پولیسو لخوا نه ځوریدل او په قانوني توگه له ځینو امتیازاتو څخه هم برخمن شوي وو؛ ځکه پدې کارت سره به یې د بانک اکاونت خلاصولی شو او د موبایل سیم کارت به یې پرې اخستلی شو. خو تېره اونۍ د سرحد آیالت په پېښور ښار کې د کبابیانو په سیمه کې په ورسک سړک باندې د پاکستاني طالبانو لخوا په پوځي ښوونځي باندې هغه وروستی برید ورته غم شو، چې په پایله کې یې د دغه ښوونځي یوسل او دوه دېرش تنو زده کوونکو په گډون د ښوونځي مسوولو او څوکېداران د طالب وسله والو لخوا ووژل شو. او د پاکستان په نږدې تاریخ کې دغه پېښه د پاکستاني دولت لپاره یوه ډېره دردوونکې پېښه وگرځیده او هماغه وو چې ورسره سم د دغه هیواد صدراعظم محمد نواز شریف له اسلام آباد څخه او هم لوی درستیز راحیل شریف له کویټې څخه په عاجله توگه پېښور ته راورسیدل او پداسې حال کې چې درې ورځنی ماتم یې اعلان کړ، په سبایې د ټولو گوندونو په گډون په پېښور کې یو مهم کنفرانس دایر کړ چې پکې د ترهگرو او وسله والو طالب مخالفینو پرخلاف د سخت قدم اوچتولو غوښتنه شوې وه او د لومړي ځل لپاره د پاکستاني دولتي مقاماتو سربېره د جمعیت العلماء اسلام مولانا فضل الرحمن ډلې هم دغه برید وغندلو. هغه چې معمولاً د طالبانو څخه ملاتړ کوي او پر خلاف یې د قدم اوچتولو غوښتنه هم نکوي خو دا ځل دغه گوند هم د طالبانو دغه عمل په کلکه وغندلو او ددې پېښې وروسته د پاکستان محاکمو شپږو تنو ترهگرو ته د مرگ د سزا حکم واورولو؛ پداسې حال کې چې له ۲۰۰۸ میلادي کال راهیسې په پاکستان کې د اعدام سزا ممنوع گرځولی شوې وه.

او لدې پېښې سره سم د هندوستان په بمبې ښار باندې ترسره شوي ترهگریز برید کې د یو سل او شپیتو تنو په شاوخوا کې وژل شوو کسانو په دوسیه کې یو تن تورن ته په ضمانت د پرېښودل کېدو پرېکړه شوې وه چې

۷مخ

قطع نامهٔ خبرنگاران افغانستان

در پیوند به شهادت محمد زبیر خبرنگار تلویزیون میترا

محمد زبیر خبرنگار تلویزیون میترا که در حملهٔ انتحاری شام بیستم قوس سال روان در تالار لیسهٔ استقلال شدیداً جراحت برداشته بود، شب گذشته به شهادت رسید.

خبرنگاران و رسانه های آزاد افغانستان در حالیکه سوگوار اند، دراین زمینه اعلام می دارند که چون طالبان هراس افگن حمله بر غیرنظامیان را آغاز کرده و با حملات انتحاری در میدان والیبال ولایت پکتیکا کودکان بیگناه را شهید و با حمله بر لیسهٔ استقلال که خبرنگاران و جامعهٔ مدنی مشغول تماشای نمایشنامه بودند آنها را اماج وحشت ترور و انفجار قرار داده و دوتن را کشته و بیش از بیست تن را زخمی نمودند و با توجه به این حملات، ثابت شده است که تروریستان نه بر افراد ملکی رحم دارند و نه هم احکام شرعی و قوانین جنگی را رعایت می کنند، لذا با در نظرداشت اینگونه اقدمات جنایت کارانهٔ طالبان، با وجودی که متعهد به ارزش های مسلکی خبرنگاری و اطلاع رسانی آزاد و غیر جانبدارانه هستیم مراتب آتی را اعلام می داریم:

۱- رسانه های افغانستان سر ازاین تاریخ از نشر گزارش ها و خبرهای مربوط به طالبان الی پایان حملات تروریستی بر افراد ملکی و خبرنگاران خودداری می ورزند.

۲- ازاین تاریخ به بعد کشته گان اردوی ملی، پولیس ملی، امنیت ملی و شهروندان عادی را به عنوان شهید در خبرها و گزارش های رسانه ها ذکر می کنند.

۳- هیچ رسانه ای نمی تواند از سخنگویان طالبان تروریست در خبرها و گزارش های خویش نقل قول داشته باشد.

۴- خبرنگاران افغانستان از دولت وحدت ملی افغانستان تقاضا می نمایند که کمیتهٔ دولتی را زیرعنوان کمیتهٔ کمک به مصدومین خبرنگاری ایجاد و برای زخمیان و آسیب دیدگان این عرصه کمک فراهم آورد.

۵- تلویزیون میترا باید معاش شهید محمد زبیر را کماکان به خانواده اش بپردازد.

۶- حساب بانکی زیر نام محمد زبیر ایجاد شود و اعانه دهندگان و خبرنگاران کمک های شان را باید به همان حساب واریز نمایند تا خانوادهٔ شهید زبیر در مضیقهٔ اقتصادی قرار نداشته باشند.

رسانه ها و دولت افغانستان باید این خواست های برحق را جداً رعایت نموده و رسانه های خارجی که در کابل فعالیت دارند نیز باید به خاطر خبرنگاران و مردم افغانستان این قطع نامه را رعایت نمایند.

من الله التوفیق

«مجاهد» نیز منحیث خانوادهٔ مطبوعات کشور، با احترام و رعایت این قطع نامه، در این هفتهٔ از نشر (مروری بر برخی رویدادهای مهم امنیتی) اباء ورزید.

پارلمان و ماجرای وزیران دارای تابعیت دوگانه

□ تکساری

مجلس نماینده گان دو هفته پیش تصمیم گرفتند تا به وزیران دارای تابعیت دو گانه رای اعتماد ندهند. هیئت اداری مجلس این تصمیم را به هدف این اتخاذ نمودند، تا کمکی باشد به افراد مسلکی از داخل افغانستان، تا آنها در تشکیل کابینه راه پیدا نمایند.

در دو دورهٔ تقنینی پارلمانی یک چنین سر و صداهای از جانب پارلمان بلند شد؛ اما نتیجه یی به دنبال نداشت و وزیران دارای تابعیت دو گانه نظر به تمایلات سیاسی، قومی و فشار دولت از مجلس رای اعتماد به دست آوردند. نظر به تجارب گذشته این احتمال وجود دارد که تعدادی از افراد دارای تابعیت دوگانه به صفت وزیر به پارلمان معرفی گردند و این بار نیز یک چنین وزیران به راحتی رای اعتماد به دست خواهند آورد. اگر پارلمان بتوانند از این تصمیم خویش پاسداری نماید و به وزیران دارای تابعیت دوگانه رای اعتماد ندهند، پارلمان مقام و حیثت از دست رفتهٔ خود را باز خواهد یافت.

تجربه نشان داد که وزیران دارای تابعیت دوگانه در



زمان بررسی هویت آنها در پارلمان تعهد نموده بودند، که از تابعیت خارجی خود صرف نظر خواهند نمود و اکنون مدارک وجود ندارد که این افراد دارای تابعیت مضاعف چنین سندی به مجلس ارائه کرده باشند. بر اساس مادهٔ ۷۲ قانون اساسی افغانستان وزرای حکومت باید تابعیت افغانستان را داشته باشند و در مورد رد و تائید صلاحیت دارنده گان تابعیت دوگانه برای عضویت در کابینه، مجلس تصمیم خواهد گرفت. در قانون اساسی افغانستان که در سال ۱۳۸۲ از سوی لویه جرگه قانون اساسی به تصویب رسید و از عمر آن ۱۰ سال می گذرد، اکنون دیده می شود که در آن یک سلسله خلاء ها و کمبودی های جدی وجود داشته است. حقوق دان های کشور بر این کمبودی ها تاکید نموده اند. از جمله سرور دانش معاون دوم رئیس جمهور بر این کمبودی ها اشاره نموده و گفته است که این قانون خوش بینانه تصویب شده است.

قانون باید با شرایط افغانستان قابل تغییر و تحول باشد. تعدادی از اشخاص و افراد در لویه جرگهٔ قانون اساسی برخی اصلاحات و تعدیلات را بر خلاف روحیهٔ عمومی لویه جرگه به وجود آورده است. برخی کسانی در این لویه جرگه گرد آمده بودند، که حتا سواد خواندن را نداشتند، از قانون، مواد قانونی، وجیبهٔ فرد در برابر جامعه و ضرورت جامعهٔ قانونمند چیزی نمی دانستند. تعدادی از شرکت کننده گان لویه جرگه قانون اساسی بعد از توشیح آن از سوی رئیس جمهور دست به اعتراض زدند و برخی از مواد آن را یک نوع معامله گری آشکار از سوی افراد و اشخاص عنوان کردند. کسانی که در آن وقت در سندان قدرت چکش می کوبیدند، این تعدیلات و تغییرات من درآوردی را پذیرفتند، تا مبادا از معاونیت و وزارت وعده داده شده رد نشوند و از دیگران پس نمانند.

از اوضاع و احوال کشور و جریان داخلی مجلس نماینده گان فهمیده می شود که اعضای مجلس دست به یک جو سازی سیاسی زده اند، طوری که این صدا ها در رای گیری وزیران دارای تابعیت دوگانه در گذشته ها

ص۷